

همه چیز درباره طرح نظام هماهنگ پرداخت حقوق که خیلی‌ها از جمله بازنشستگان منتظر اجرایی شدن آن هستند

بازنشستگان مرفه می‌شوند؟



با وجود اوج گرفتن کرونا در مازندران و هشدار مسئولان مسافرت به شهرهای این استان ادامه دارد

خطه قرمز مازندران

ویژه‌ها

بررسی اقدامات وزارت خارجه برای روابط با سایر کشورها در دوران کرونا

دیپلماسی در قرنطینه

از زمان شیوع جهانی ویروس کرونا تمامی فعالیت‌های جامعه بشری از جمله عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است...

شهردار تهران دیروز از طریق فضای مجازی به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ داد

گلایه شهردار از درهای بسته دولت



۱۹

یادداشت

دلایل چرخش امارات به سمت ایران



عبدال... سهرابی

سفیر پیشین ایران در قطر

دیپلماسی منطقه‌ای ایران، کشورهای مختلفی را در برمی‌گیرد که در این میان، ارتباط با شش کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس، یکی از بخش‌های مهم این دیپلماسی منطقه‌ای است. تمام کارشناسان و افرادی که شناختی از ابعاد مختلف منطقه دارند بر این موضوع واقف هستند که جمهوری اسلامی ایران کشور بزرگی با بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر مرز آبی با شش کشور همسایه است؛ بنابراین طبیعی است کشورهای همسایه اهمیت بالایی در سیاست خارجی کشورمان داشته باشند و به همین دلیل در بخش‌های مختلف برای ارتباط با این همسایگان برنامه داریم.

یکی از این کشورها که شاید از منظر اقتصادی در اولویت ما باشد، امارات است. ما با این کشور، روابط اقتصادی بسیاری داریم، به طوری که روابط سالانه اقتصادی دو کشور به بیش از ۲۰ میلیارد دلار می‌رسد که این مساله برای کشور امارات هم از اهمیت زیادی برخوردار بود. البته در این میان، در مقاطعی سخنانی خارج از عرف سیاسی و قواعد بین‌المللی از سوی مقامات امارات درباره حاکمیت جزایر سه‌گانه مطرح می‌شود که می‌توان یکی از دلایل آن را تحریک دیگران دانست، اما به هر حال در این ارتباط همواره با این کشور دچار چالش بوده‌ایم. در همین زمینه و در دو سال گذشته و قبل از ایجاد چالش بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، موضوع حاکمیت امارات بر جزایر سه‌گانه یکی از بندهای لایتنیر آنها بوده است. از سوی دیگر، در چند سال اخیر شاهد دخالت امارات در جنگ‌های منطقه، دخالت در امور سوریه علیه مقاومت و همراهی با عربستان در جنگ علیه یمن با نگاه اقتصادی و طمع امارات به یمن بودیم. اما با فرسایشی شدن بحران یمن و گرفتار شدن عربستان در منجذاب مبارزه با حوثی‌ها، اماراتی‌ها نیز مقداری دچار چالش شدند. در مجموع و با توجه به موارد عنوان شده، امارات تقریباً از یک سال گذشته و از طرق مختلف در جهت نزدیک شدن به ایران تلاش کرده است در این راستا نیز جمهوری اسلامی ایران همواره آغوش بازی به روی کشورهای همسایه دارد. نیاز فراوان امارات به سرمایه‌های ایران همچنین نقش کشورمان در توسعه و سازندگی امارات به ویژه دبی برکسی پوشیده نیست و این موضوع موجب شده سیاست خارجی و حاکمیتی امارات به این جمع‌بندی برسد که تاکنون راه را اشتباه رفته‌اند و به همین دلیل چاره‌ای ندارند جز این که برای امنیت خلیج فارس و توسعه و آرامش منطقه تلاش کرده و در این ارتباط با ایران همراه باشند؛ چرا که جمهوری اسلامی ایران همواره به عنوان حامی کشورهای منطقه از آنها دفاع کرده و در این مسیر هزینه‌های زیادی داده است.

روایت

در باب بیکاری کارگردان‌ها

می‌گویند وقتی سلمانی‌ها بیکار می‌شوند، سر همدیگر را می‌تراشند. حالا شده حکایت جدال‌های دوستان و همکاران در کانون کارگردانان سینما. اصل ماجرا چیست؟ دعوا سیران است که باید از کارگردانان، نماینده‌ای برای خانه سینما انتخاب می‌شد و خانه سینما هم عنوان کرد تا ماجرای شمت در وزارت کار انجام نشود، نمی‌توانید نماینده‌ای معرفی کنید. بنابراین بنا به استانداردهای وزارت کار مجمع عمومی شورای مرکزی انجمن صنفی کارفرمایی کارگردانان استان تهران (کانون کارگردانان سینمای ایران) با تعداد کمی برگزار شد که بتوانند انجمن را در وزارت کار ثبت کنند تا خانه سینما، نماینده کانون کارگردانان را قبول کند. چه مساله حادی در این موضوع وجود دارد که سر آن دعوا شکل می‌گیرد و ایجاد دعوا به رسانه‌ها کشیده می‌شود؟ به نظر من بیشتر به بیکاری کارگردانان مربوط می‌شود. چون ما در سال حدود ۷۰ فیلم می‌توانیم اکران کنیم، درحالی که کانون کارگردانان، بالای ۳۰۰ نفر عضو دارد. علت این هم که نمی‌توانیم

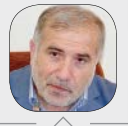


علیرضا داوودنژاد

کارگردان سینما

درنگ

فعلا به مازندران نیایید



غلامرضا شریعتی

اندازی نماینده مردم مازندران

از اوایل تیر تا امروز، مازندران در وضعیت قرمز همه‌گیری کرونا قرار گرفته و حتی چند هفته‌ای است شرایط شیوع بیماری در برخی شهرهای مازو وضع قرمز نیز عبور کرده و اوضاع به حد بحرانی رسیده است. علت اصلی وقوع این اتفاق نیز ججم بالای سفرهای غیرضروری اهالی دیگر استان‌ها به مازندران در هفته‌های اخیر بوده است؛ بنابراین در این شرایط ما از هموطنان درخواست عاجزانه داریم که در این شرایط از انجام سفر به مازندران به شدت پرهیز کنند، زیرا براساس آمارهایی که شخصاً از مدیران مراکز درمانی استان دریافت کرده‌ام، اکنون ظرفیت بیشتر بیمارستان‌های ما در حال تکمیل است و اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، ممکن است به‌زودی ناچار به استفاده از بیمارستان‌های صحرائی و نقاشگاه‌هایی شویم که اوایل دوره همه‌گیری کرونا برای اوضاع بحرانی پیش‌بینی شده بود.

نکته دیگر آن که اکنون کادر درمانی استان ما که ماه‌هاست درگیر مبارزه با بیماری کرونا هستند، به شدت خسته و فرسوده شده‌اند و روز به روز توان آنها برای مقابله با این وضعیت تحلیل می‌رود. این در حالی است که با تداوم سفرهای غیرضروری به مازندران و بی‌توجهی برخی هموطنان به درخواست‌های ما، قطعاً بار مضاعفی نیز بر اثر بستری بیماران غیربومی در بیمارستان‌های صحرائی و نقاشگاه‌هایی می‌شود و اوضاع همه‌گیری کرونا را بیش از پیش وخیم می‌کند.

بنابراین اکنون وقت آن است که هموطنان به درخواست‌های ما جامه عمل ببوشانند و از سفر کردن به مازندران در این وضعیت دشوار دست بردارند، چرا که اگر این اتفاق رخ ندهد و وضعیت شیوع کرونا در مازندران وخیم‌تر شود، ممکن است ستاد ملی مبارزه با کرونا بنا به ضرورت، محدودیت‌هایی برای سفر به مازندران در نظر بگیرد یا حتی خود اهالی استان ما اگر احساس کنند با فاجعه‌ای مواجه هستند، برخی از آنها مجدد دست به بستن راه‌ها بزنند که همه این اتفاقات به نفع کشور نیست و می‌تواند باعث زیان افرادی شود که می‌خواهند برای انجام کارهای ضروری به مازندران تردد داشته باشند.

بیشتر از ۷۰ فیلم اکران کنیم، محدود بودن ظرفیت نمایشی و کمبود سالن‌های سینماست.

بنابراین به جای این که از این فرصت کرونا استفاده کنیم و دنبال تقویت شبکه نمایش خانگی، اکران آنلاین و وی‌اودی باشیم، برخی از این ظرفیت نمایشی خود را بالا ببریم و به تبع آن تولید را افزایش دهیم و مشکلات سینمای کشور را حل کنیم، به موضوعی بیهوده برسیم که شاید در آن ایراداتی هم هست و جای بحث و گفت‌وگو نیز دارد، اما بزرگ شدن ماجرا تا این حد که کار به رسانه‌ها کشیده شود، به نظر من آثار از همان کلافگی و سرگشتگی نشأت گرفته از بیکاری است. بهتر است این ماجرا همین جا به نحوی خاتمه پیدا کند و کانون کارگردانان به عنوان یک صنف محترم و مؤثر هم منزلت خودش را حفظ کند و این منزلت را قربانی این چیزهای پیش پا افتاده نکند و هم از این موقعیت برای حل مشکلات اساسی سینما همچون سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و نمایش استفاده کند. بخش زیادی از این مشکلات می‌تواند با سرو سامان دادن به بازار شبکه نمایش خانگی در کنار بازار اکران حل شود. بنابراین فکر می‌کنم این دعوا اگرچه توجیهاتی دارد، اما می‌تواند در داخل صنف به نحوی حل شود و این همه انرژی سر این موضوع گذاشته نشود و این توان و انرژی صرف حل معضلات اصلی سینما شود.

در آستانه چهاردهم مرداد قرار داریم. حدود ۱۱۴ سال پیش در ۱۴ مرداد سال ۱۲۸۵ شمسی فرمان مشروطیت صادر گردید. با مشروطیت و به ویژه در پی حادثی که منجر به تصرف تهران توسط قوای سردار اسعد بختیاری و سپهدار تنکابنی (در ۱۲۸۸ شمسی) گردید، شبه‌مدرنیست‌ها بر مقدرات تاریخی ایران مسلط شدند و دوره تجددمآبی تاریخ ایران به طور تام و تمام آغاز گردید. البته از اواسط دوران فتحعلی‌شاه قاجار و در پی هجوم سازمان یافته و فراگیر استعمار غرب مدرن به ایران، به تدریج زمینه نفوذ و غلبه تجددمآبی بر کشور فراهم آمده بود، اما مشروطه است که سلطه شبه‌مدرنیته بر ایران رسمیت و حالت تام و تمام پیدا می‌کند و در پی آن در دوران رژیم پهلوی ارکان و ساختمان صورت‌بندی (فرماسیون) غرب‌زدگی شبه‌مدنیت و فعلیت پیدا می‌کند. بنابراین مشروطه را می‌توان آغاز دوره شبه‌مدنیت تاریخ ایران دانست.

اکنون بیش از یک سده پس از مشروطه لیبرالی می‌توان از میراث و نتایج آن پرسش کرد. آنچه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ رخ داد محصول فرآیندی بود که از دوران ناصری آغاز شده بود. روشنفکران شبه‌مدرنیست ایرانی از حدود سال‌های دهه ۱۲۸۰ قمری زمینه‌سازی برای ترویج اندیشه مشروطه لیبرالی را آغاز کردند. هواداران مشروطه لیبرالی شعار مقابله با استبداد می‌دادند و به دنبال پیشبرد پروژه شبه‌مدرنیسم در ایران بودند. شبه‌مدرنیته کردن ایران (و بسیاری کشورها، ملل و سرزمین‌های دیگر) بخشی از طرح کلان نظام جهانی غرب مدرن به منظور بسط دامنه نفوذ و سلطه خود بود. استعمار غرب مدرن به منظور تأمین منافع خود نیازمند آن بود که اکثریت کشورها و ملل جهان را به کشورهای پیرامونی خود بدل نماید تا بتواند به استثمار نیروی کار و غارت منابع طبیعی آنها بپردازد و آنها را به بازار مصرف تولیدات خود بدل کند.

جان و جوهر مشروطه خواهی روشنفکران تجددمآب ایرانی، شبه‌مدرنیته کردن ایران بود. آنها در شعار سیاسی خود مدعی حاکم کردن نظام پارلمانتاریستی لیبرالی بودند. اما رهاورد واقعی مشروطه برای ایران و ایرانی چه بود؟ اندک‌زمانی پس از مشروطه و با روی کار آمدن رژیم پهلوی در ایران، فرآیند تکوین صورت‌بندی (فرماسیون) غرب‌زدگی شبه‌مدن آغاز گردید و استبداد تمام‌عیار و سرکوبگری بر کشور حاکم شد، نه فقط آزادی به دست نیامد که استقلال نیم‌بند و شکننده حکومت قاجاری هم از بین رفت و تجددمآبی در جنگ با هویت اسلامی - ایرانی، به تدریج ساخت اقتصادی سرمایه‌داری پیرامونی و تشدید بی‌عدالتی و وابستگی تمام‌عیار به نظام جهانی را بر کشور حاکم نمود. با مشروطه لیبرالی و غرب‌زدگی شبه‌مدن افق تاریخی فراروی کشور دچار فروپستگی گردید. از اوایل قرن بیستم مدرنیته به تمامیت رسید و عالم غرب مدرن وارد دوران بحران انحطاطی

خود گردید. در چنین شرایطی که خود عالم مدرن با از قوه به فعل درآمدن همه امکانات خود گرفتار بن‌بستی و فروپستگی گردیده بود، ایران توسط روشنفکران و تکنوکرات‌های شبه‌مدرنیست و کارگزاران نظام سرمایه‌داری جهانی گرفتار نحوی شبه‌مدرنیته تقلیدی و ناقص گردید. از این روست که می‌گوییم باغلیه تجددمآبی، افق تاریخی کشور ما گرفتار فروپستگی گردید. جامعه ایرانی به منظور رهایی از همین بن‌بست بود که کوشید با تکیه بر ظرفیت‌های عالم ایرانی - اسلامی خود را از تونل وحشت شبه‌مدرنیته رهایی بخشد و این عزم و اراده در انقلاب اسلامی ایران تبلور یافت.

تأمین استقلال و رها کردن کشور از وابستگی و تحقق عدالت برپایه محوریت معنویت و ظرفیت‌های عالم ایرانی - اسلامی در زمره اهداف و مأموریت‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران بوده است. در واقع با انقلاب اسلامی جامعه ایران حرکت در مسیر افق‌گشایی فراروی تاریخ خود را آغاز نمود. مشروطه فارغ از شعارهایی که می‌داد و مدعا‌هایی که داشت، چون به دنبال حاکم کردن شبه‌مدرنیته بر ایران بود، لاجرم در مسیری حرکت می‌کرد که نافی استقلال و عدالت بود. انقلاب اسلامی حرکتی در مسیر افق‌گشایی تاریخی و با صیغه تمدنی است. نکته این است که در دوران به تمامیت رسیدن مدرنیته و بحران انحطاطی غرب مدرن، هیچ ملت و کشوری از طریق تقلید راه پیموده شده و به پایان رسیده مدرنیته امکان رهایی و شکوفایی ندارد. تجربه چند مسداله پس از رنسانس نشان داده که زندگی بسامان و انسانی فارغ از بیگانگی و از خود بیگانگی و استثمار در ذیل مدرنیته (به طریق اولی شبه‌مدرنیته) امکان تحقق ندارد. در کشورهای پیرامونی‌ای که مورد تعرض و تهاجم استعمار غرب مدرن قرار گرفته‌اند نیز برای رهایی و شکوفایی، راهی جز تکیه بر ظرفیت‌های معنوی و دوری از نسخه‌های تقلیدی وجود ندارد. رهاورد شبه‌مدرنیته برای مردم ما دوری از خود و خودباوری و تحمیق به واسطه تقلید از مدرنیته به تمامیت رسیده بحران زده آن هم تقلیدی سطحی و ناقص) بود. اما با انقلاب اسلامی، نحوی خودآگاهی تاریخی منتقدانه نسبت به غرب مدرن و ظلم و استثمار آن پدیدار شده است، خودآگاهی‌ای استقلال طلب و عدالت‌خواه که به دنبال افق‌گشایی تاریخی از طریق بارور کردن ظرفیت‌های عظیم هویتی عالم ایرانی - اسلامی است. تجربه تاریخی نشان داده و خرد گواهی می‌دهد که هر موجود زنده از جمله انسان‌ها و ملت‌ها برای رسیدن به شکوفایی و توانایی و زندگی سالم راهی جز تأکید بر ظرفیت‌ها و استعداد‌های خود و بارور کردن آنها ندارند. در سال‌های اخیر از تاجاع شبه‌مدن با فعال کردن شبکه‌های رسانه‌ای و به راه انداختن هیاهوی تبلیغاتی به دنبال فریب و تحمیق افکار عمومی است. باید به واسطه تبیین روشنگرانه تجربه شکست‌خورده شبه‌مدرنیته با حرکت از تاجاع شبه‌مدرنیست مقابله نمود تا ملت ایران با استواری و خودآگاهی بیش از پیش در مسیر تعمیق حرکت افق‌گشای انقلاب اسلامی گام بردارد.

